

## وکیل مستقل، حق بنیادین جامعه و شهروندان<sup>۱</sup>

### نخست: مقدمات

#### الف) مفهوم استقلال وکیل:

استقلال از باب استفعال مصدری است عربی که در فارسی معانی بسیاری برای آن ذکر شده است از جمله «به جای بلند برآمدن» «ضابط امر خویش بودن» «به خودی خود به کاری بر ایستادن»<sup>۲</sup> و در اصطلاح به معنای خودگردانی و مصونیت از مداخله است.

مراد از وکیل در این مقاله شخصی است که با پشتوانه دانش و تجربه و تخصص خود به کار وکالت دعاوی می پردازد. استقلال نیز وصف چنین شخصی است که وکالت دعاوی را خواه بصورت حرفه ای خواه بصورت موقت به انجام می رساند. همچنین استقلال، وصف ضروری نهاد صنفی وکلا نیز هست.

استقلال مورد نظر در این مبحث در درجه اول یعنی استقلال از حاکمیت و قدرت سیاسی حاکم بر جامعه و در درجه دوم یعنی مصونیت از مداخله ناجبای هر مرجع قدرتی در جامعه. به عبارت دیگر یعنی مستقل بودن و عدم وابستگی به قدرت حکومت و اینکه وجود و حضور وکیل و فعالیت وی وابسته به اراده و خواست و نظر حاکمیت و قدرت حاکمه نباشد و فعالیت وی نیز متأثر از خواست مراجع قدرت قرار نگیرد. یعنی اینکه خودبنیاد باشد و بقا و دوام کارش به اراده حاکمیت نباشد و در تصمیم گیری ها و اقدامات حرفه ای خود و آنچه در مقام و موقعیت دفاع بیان می دارد، واهمه ی حاکم یا اربابان قدرت و مقامات مافوق را در سر نداشته باشد.

شاخص این استقلال و معیار تشخیص درجه آن هم، آن دسته از دعاوی هستند که یک طرف آنها حکومت و قدرت حاکمه است. بویژه جایی که حکومت از موقعیت اعمال و اقدامات حاکمیتی یک طرف دعوی است. به تعبیر بهتر یعنی همان دعاوی که به دعاوی امنیتی و سیاسی موسوم هستند. اینجاست که میزان استقلال وکیل در یک نظام حقوقی نمایان می شود.

<sup>۱</sup> احمد نصر اصفهانی. وکیل دادگستری. اصفهان

<sup>۲</sup> لغت نامه دهخدا، ذیل واژه استقلال

هدف از استقلال وکیل، اطمینان سازی به جریان عدالت در روند های دادرسی و محتوای آرای صادره است. نه قاضی علم غیب و دانش مطلق دارد و نه دادگستری محکمه عدل الهی است. دادگستری نیز همانند سایر نهادهای دست ساز بشر یک نهاد کامل و بی عیب و فارغ از خطا نیست. قاضی نیز به عنوان کارگزار این نهاد، بخاطر بشر بودن و محدود بودن دانش و اطلاعاتش مصون از خطا و اشتباه نیست. در این اوضاع و احوال است که وکیل مستقل، جامعه و شهروندان را به اجرای عدالت در دادرسی ها مطمئن تر و امیدوارتر می سازد و این اطمینان را به همراه می آورد که شخصی بدون وابستگی های حکومتی و بدون ترس و واهمه از تعقیب یا فارغ از مصلحت اندیشی های شغلی و معیشتی به نمایندگی او از حقوق قانونی اش دفاع می کند. از اینرو وکیل مستقل نه یک شعار صنفی بلکه حق بنیادین و مسلمی است که جامعه از یک سو و تک تک شهروندان از سوی دیگر از آن برخوردار است حتی که چهره ای و جلوه ای از حق بهره مندی از دادرسی منصفانه و عادلانه است.

#### ب) حدود استقلال وکیل:

منظور از مستقل بودن، مطلق العنان بودن و عدم مسوولیت وکیل نیست. وکیل دعاوی ملزم به فعالیت در چارچوب قانون و رعایت هنجارهای حرفه ای است و در مقابل عملکرد خود پاسخگو است و این پاسخگویی و مسوولیت نیازمند نظارت بر وی است. این نظارت در گام اول – برای پرهیز از اقدامات مغایر با استقلال – باید از سوی نهاد صنفی مستقل وکلا ( و مثلاً از سوی مراجع انتظامی کانون ها) صورت گیرد.<sup>3</sup> با این حال این به معنای نفی نظارت عالیه ای که دستگاه عدالت و قضا در جامعه عهده دار آنست نباید تعبیر بشود. مساله ای که در اینجا اهمیت دارد (چه در نظارت عالیه دستگاه قضایی و چه در نظارت صنفی کانون مستقل) لزوم پرهیز از مداخلات ناجبا و استقلال شکن است چرا که یکی از اهداف اصلی و نهایی این نظارت، پاسداری از استقلال است.

#### ج) ماهیت تعهدات دولت ها در قبال حق برخورداری از وکیل مستقل:

بر اساس تقسیم بندی که امروزه برای تعیین تعهدات حقوق بشری حکومتها پذیرفته شده، سه سطح از تعهدات وجود دارد که عبارتند از:

<sup>3</sup>. IBA STANDARDS FOR THE INDEPENDENCE OF THE LEGAL PROFESSION (Adopted 1990). Para 21.22.23.24.

نخست: «تعهد به احترام»<sup>۴</sup> که حکومت‌ها را ملزم می‌نماید از مداخله در آزادی افراد خودداری نمایند. و دوم: «تعهد به حمایت»<sup>۵</sup> که حکومت‌ها را ملزم می‌نماید از افراد در مقابل مداخله دیگران حمایت نمایند. و سوم: «تعهد به ایفاء»<sup>۶</sup> که جنبه ایجابی دارد، حکومت‌ها را ملزم می‌سازد اقدامات ضروری و موثری را جهت تحقق حقوق افراد به عمل آورند. تعهد به ایفاء خود شامل سه تعهد می‌شود «تعهد به تدارک»، «تعهد به ارتقاء» و «تعهد به تسهیل»<sup>۷</sup>.

از قرار معلوم در رابطه با برخورداری از وکیل مستقل، حکومت‌ها متعهد به اجرای هر سه سطح از تعهدات مزبور می‌باشند. در زمینه اجرای «تعهد به احترام» هر حکومتی متعهد است به حق افراد در داشتن وکیل مستقل احترام بگذارد و مانع دستیابی شهروندان به وکیل مستقل نشود. در زمینه اجرای «تعهد به حمایت» حکومت متعهد است از مداخلات ناجبا و از اعمال فشار و تهدید نسبت به وکلا و ارباب ایشان توسط گروه‌های ذی نفوذ و صاحب قدرت یا تبهکاران و ... جلوگیری نماید و امنیت وکالت را تامین کند. و در زمینه اجرای «تعهد به ایفاء» نیز حکومت‌ها متعهد اند با قانونگذاری‌های مناسب، حمایت‌های قضایی و تدابیر اجرایی، امکان تاسیس کانون‌های مستقل وکلا، امکان انتخاب آزادانه مدیران، خودگردان بودن کانون‌ها، تامین امنیت شغلی و مواردی مثل این‌ها را فراهم نمایند.

## دوم: مبانی نظری توجیه استقلال

ضرورت مستقل بودن وکیل را از منظرهای مختلفی می‌توان بررسی نمود. از منظر سودانگاری می‌توان وجود وکیل مستقل را موجب حصول بیشترین سود و نفع برای جامعه، شهروندان و حتی حاکمیت دانست. اطمینان از عادلانه بودن روندهای دادرسی و مجازات‌های صادره و بقا و استمرار امنیت و نظم در جامعه از جمله سودهایی است که با بودن وکیل مستقل بدست خواهد آمد. در واقع وکیل مستقل، جامعه و شهروندان را به وجود عدالت در محاکم و در روندهای دادرسی مطمئن می‌سازد و این باعث می‌شود تا نظم اجتماع و بقای حاکمیت در نهایت تضمین گردد.

از منظر احترام به شان و کرامت انسانی هم وکیل مستقل یک ضرورت است چرا که انسان از آن جهت که انسان است دارای شان و کرامت ذاتی است. لازمه حفظ چنین کرامتی و لازمه احترام به این کرامت ذاتی این است که اشخاص

<sup>4</sup>. Obligation to Respect

<sup>5</sup>. Obligation to Protect.

<sup>6</sup>. Obligation to Fulfill.

<sup>7</sup>. General Comment No.16. Adopted by the committee on economic, social and cultural rights. Para:16 - 31. & General Comment No.31. ibid

بتوانند اختلافات فیما بین خود را به طریقه ای عادلانه و توسط محاکم قانونی حل و فصل نمایند. یکی از لوازم اصلی برقراری دادرسی عادلانه وجود وکیل مستقل است. پس در نهایت وجود وکیل مستقل مساوی با احترام به شان و کرامت انسانی است.

از منظر احترام به ارزش جان و زندگی انسانی هم ضرورت وجود وکیل مستقل قابل پذیرش است. در واقع هر کس که جان دارد و فرصت زیستن پیدا کرده حق بهره مندی از یک حیات شرافتمندانه را دارد و از جمله آثار این حیات شرافتمندانه، برخورداری از دادرسی عادلانه با محاکم مستقل و بیطرف و وکلایی است که تامین کننده حق دفاع آنها باشد و تامین کامل حق دفاع نیز تنها از وکلای غیر وابسته ساخته است.

اما به نظر می رسد بهترین مبنای توجیه ضرورت وجود وکیل مستقل، ریشه در قاعده مشهور «انصاف» داشته باشد. همان قاعده ای که می گوید: «هر آنچه بر خود می پسندی بر دیگران هم بپسند و آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران هم مپسند» بنا بر این قاعده هر کدام از ما حتی اگر طرفدار وکلای وابسته به حاکمیت هم باشیم در زمانی که طرف یک دعوی با حکومت قرار بگیریم به سراغ وکلایی می رویم که وابستگی حاکمیتی نداشته باشند و به هنگام طرح دعوی و دفاع واهمه تعقیب و بیکاری و ... به خود راه ندهند. بنابراین اگر مدعی انصاف هستیم چاره ای جز پذیرش این حق برای دیگران نداریم. به تعبیر دیگر هر کدام از ما زمانی که می خواهیم قاعده و قانونی را وضع کنیم باید این موضوع را مد نظر داشته باشیم که اگر آن قاعده یا قانون روزی در مورد خود ما بخواهد اعمال شود، آیا آنرا عادلانه می دانیم یا خیر؟ امروزه یکی از نظریاتی که با تکیه بر قاعده انصاف پدید آمده نظریه «عدالت به مثابه انصاف» جان رالز<sup>۸</sup> است. وی که از فیلسوفان معاصر حقوق است بیان می دارد اصول عدالت را باید شهروندان آزاد و برابر (یا نمایندگان آنها) در شرایطی که برای همگان منصفانه است تعیین و بر روی آن توافق کنند. این شرایط نیز هنگامی که در ورای پرده جهل و غفلت و نا آگاه از وضعیت فعلی خویش و فارغ از موقعیت سیاسی و اجتماعی و نژادی و جنسیتی و میزان دارایی و ... خود هستیم، پدید می آید.<sup>۹</sup> در واقع بنا بر این دیدگاه هر شهروندی در موقعیت اولیه و در ورای پرده ناآگاهی از موقعیت فعلی خویش، بطور فرضی خود را در موقعیت یا موقعیت های احتمالی آینده قرار می دهد و آنچه را در آن موقعیت برای خود عادلانه می داند تعیین و مشخص می کند. همین کار را دیگر شهروندان هم انجام می دهند. نتیجه آن

<sup>۸</sup>. John Rawls. (1921 – 2002)

<sup>۹</sup>. جان رالز، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی. صص ۴۰ تا ۴۵.

توافق ایشان بر یکسری اموری است که از دید همه آنها عادلانه است. اموری که بطور خودبخود برای دیگرانی که در آینده بطور واقعی در موقعیت آن قرار می گیرند، پسندیده و پذیرفته شده است. با تکیه بر این دیدگاه آشکار است که انسان ها در ورای پرده ناآگاهی از وضعیت خویش، وکیل مستقل از حاکمیت را بر وکیل وابسته ترجیح داده و بر وجود آن موافقت می کنند.

### سوم: جایگاه «استقلال وکیل» در نظام بین الملل حقوق بشر

در متن اسناد شناخته شده بین المللی حقوق بشر، از حق مستقل و مشخصی با عنوان حق برخورداری از «وکیل مستقل»<sup>10</sup> نامبرده نشده است اما در آراء و نظریات مراجع حقوق بشری مشاهده می شود که این حق در مواردی بطور صریح و در مواردی نیز بطور ضمنی با شناسایی ابعادی از آن مورد تاکید و پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه در چند مورد از اظهارنظرهایی که کمیته منع شکنجه در قالب «ملاحظات پایانی»<sup>11</sup> ارائه کرده به موضوع «وکیل مستقل» و لزوم تضمین استقلال وکیل پرداخته شده است. در این رابطه همچنین چند مورد از اسناد کمیسیون حقوق بشر ملل متحد یا شورای حقوق بشر ملل متحد و یا آراء کمیته حقوق بشر و یا کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و همچنین برخی بند های قطعنامه اصول اساسی نقش وکلا قابل ذکر می باشند.

با مطالعه این اسناد و آراء نتیجه ای که حاصل می شود این است که استقلال وکیل منوط به رعایت ضوابط و استانداردهایی است که با تحقق همه ی آنها می توان مدعی استقلال وکیل و در نتیجه تضمین حق دفاع و حق دادرسی عادلانه شد.

این ضوابط و استانداردها عبارتند از:

الف) عدم وابستگی به حاکمیت

ب) امکان تشکیل انجمن های حرفه ای خودگردان و حق پیوستن به آنها

ج) مدیریت مستقل و برآمده از میان وکلای فعال

<sup>10</sup> independent lawyers or independent counsel.

<sup>11</sup> ملاحظات پایانی یا «Concluding observations» اظهار نظرهایی است که یک کمیته مانند کمیته حقوق بشر یا کمیته منع شکنجه در مورد گزارشهای دوره ای هر کدام از کشورهای عضو انجام می دهد و در آن ضمن برشمردن گام های مثبت، نگرانی ها و توصیه های خود را نیز بیان می دارد

د) مصون بودن از مداخلات ناجای حکومت و سایر مراجع قدرت

ه) مصونیت مدنی و کیفری

و) داشتن امنیت شغلی و حرفه ای.

در ادامه تلاش می شود به تفکیک جایگاه هر کدام از آنها در نظام بین المللی حقوق بشر مورد ارزیابی قرار گیرند.

### الف) عدم وابستگی به حاکمیت

وکیلی که کارمند و کارگزار حکومت باشد وکیل مستقل نیست. برای نمونه وکلای نظامی به خاطر آنکه بر آمده از حاکمیت هستند و به اعتبار مقام و موقعیت رسمی خویش وکالت می کنند<sup>۱۲</sup>، مستقل به شمار نمی روند. همچنین وکلایی که مجوز فعالیت آنها توسط حاکمیت صادر شود و دوام فعالیت آنها منوط به اراده و خواست حاکمیت باشد نیز وکیل مستقل محسوب نمی شوند. این موضوع در بسیاری از اظهارنظرهای مراجع حقوق بشری مورد اشاره قرار گرفته است. برای نمونه در یکی از شکایاتی که کمیته حقوق بشر (رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی) به آن رسیدگی کرده<sup>۱۳</sup>، ضرورت وجود وکیل مستقل مورد تاکید قرار گرفته و اجبار افراد به پذیرش وکیل وابسته به حاکمیت نقض حق دادرسی عادلانه آنها دانسته شده است. در آن شکایت شخصی به نام «لوپز»<sup>۱۴</sup> که یک کارگر و همچنین رهبر یک اتحادیه بازرگانی در کشور اروگوئه بوده مدعی شده که در کشورش پس از بازداشت فقط می توانسته از میان فهرست وکلای نظامی<sup>۱۵</sup> که توسط حکومت اروگوئه تعیین شده بوده اند، یک نفر را به عنوان وکیل انتخاب کند و دسترسی به یک وکیل غیر نظامی<sup>۱۶</sup> که مرتبط با حکومت نباشد نداشته است، امری که می توانسته از طریق آن دفاع شایسته و بی طرفانه ای از خود داشته باشد و در نتیجه برخوردار از ضمانت های دادرسی عادلانه نشده است. کمیته نیز در نهایت اجبار وی به پذیرش یک وکیل نظامی را نقض حقوق وی در زمینه دادرسی عادلانه (قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق) دانسته است.<sup>۱۷</sup>

<sup>12</sup>. Ex officio.

<sup>13</sup>. یکی از وظایف کمیته حقوق بشر در چارچوب پروتکل شماره (۱) الحاقی به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، صلاحیت رسیدگی به شکایات فردی از دولتی است که به این پروتکل پیوسته است.

<sup>14</sup>. Sergio Euben Lopez Burgos.

<sup>15</sup>. Military lawyers.

<sup>16</sup>. Civilian lawyer.

<sup>17</sup>. Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay, Communication No. R.12/52, U.N. Doc. Supp. No. 40 (A/36/40) at 176 (1981). Considered by The Human Rights Committee.

در بخشی از سندی که کمیسیون امریکایی حقوق بشر در خصوص وضعیت حق دادرسی عادلانه در کشور آرژانتین (۱۹۸۰) صادر نموده است نیز این مرجع اظهار داشته که برخی از متهمان در این کشور مجاز به انتخاب وکلای مدافع خود نبوده اند ولی در عوض دفاع از آنها به وکلای نظامی که جزو وکلای مجاز نبوده اند واگذار شده است.<sup>۱۸</sup>

در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه «شکنجه» که در سال ۲۰۰۲ تهیه شده است نیز به موضوع «وکیل مستقل» پرداخته شده و در قسمتی از این گزارش آمده است که دولت ها باید لاقفل امکان ملاقات افراد بازداشت شده را با یک «وکیل مستقل» از قبیل وکلایی که کانون وکلا آنرا معرفی نماید فراهم نمایند.<sup>۱۹</sup>

همچنین در بخشی از اظهار نظری که کمیته منع شکنجه (رکن ناظر بر اجرای کنوانسیون منع شکنجه) در رابطه با گزارش دوره ای «جمهوری خلق چین»<sup>۲۰</sup> به عمل آورده است نیز ضمن اشاره به «قانون حفظ اسرار دولتی»<sup>۲۱</sup> چین، از این کشور خواسته شده تا تضمین نماید متهمان حق دسترسی فوری به یک «وکیل مستقل» را - بویژه در پرونده های مرتبط با اسرار دولتی - دارا هستند.<sup>۲۲</sup>

این سند در ادامه ضمن اشاره به دستگیر شدگان منطقه خودمختار تبت که در جریان رویدادهای ۲۰۰۸ دستگیر و بازداشت شده اند، ابراز نگرانی کرده که بسیاری از این افراد دسترسی فوری به «وکیل مستقل» نداشته اند. از اینرو از دولت چین خواسته تا تضمین نماید همه اشخاص بازداشت یا دستگیر شده، دسترسی فوری به چنین وکلایی را داشته باشند.<sup>۲۳</sup>

در اظهار نظر کمیته منع شکنجه در خصوص گزارش دوره ای اسرائیل نیز ضرورت دسترسی به «وکیل مستقل» مورد تاکید قرار گرفته است. در بخشی از سندی که این کمیته در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۰۹ در مورد اسرائیل صادر نموده ضمن اشاره به وضعیت نوجوانان فلسطینی بازداشت شده در زندان های اسرائیل، از این دولت خواسته شده تا تضمین کند این

<sup>18</sup>. THE RIGHT TO A FAIR TRIAL AND DUE PROCESS1. Argentina 1980 - Chapter VI.

<sup>19</sup>. Report of the Special Rapporteur on the question of torture submitted in accordance with Commission resolution 2002/38-E/CN.4/2003/68. 17 December 2002. P.11.

<sup>20</sup>. CAT/C/CHN/CO/4-12 December 2008. Concluding observations of the Committee against Torture about CHINA.

<sup>21</sup>. State secrets law

<sup>22</sup>. CAT/C/CHN/CO/4-12 December 2008. P.6

<sup>23</sup>. CAT/C/CHN/CO/4-12 December 2008. P.8&9

بازداشت شدگان ضمانت های اساسی همچون دسترسی به «وکیل مستقل» را چه پیش از بازجویی و چه در خلال آن دارا هستند.<sup>۲۴</sup>

همچنین در سندی که کمیته منع شکنجه در مورد کشور آذربایجان صادر نموده نیز ضمن بررسی گزارش دوره ای این کشور توصیه هایی را مطرح نموده که یک مورد از آنها در خصوص ضرورت وجود «وکیل مستقل» است. در این سند کمیته از دولت آذربایجان خواسته فوراً یک کانون وکلای جدید ایجاد کند و اقداماتی را جهت تامین یک شمار مناسب از وکلای با صلاحیت و مستقل که توان کار در پرونده های کیفری را نیز داشته باشند، به عمل آورد.<sup>۲۵</sup>

در مقدمه قطعنامه «اصول اساسی در زمینه نقش وکلا» (مصوب ۱۹۹۰) هم تاکید شده که حمایت از حقوق بشر در ابعاد مختلف آن مستلزم دسترسی موثر افراد به خدمات حقوقی است که توسط وکلای حرفه ای مستقل ارائه می شود.<sup>۲۶</sup>

### ب) امکان تشکیل انجمن های حرفه ای خودگردان و حق پیوستن به آنها

بند ۲۴ قطعنامه «اصول اساسی در زمینه نقش وکلا» مقرر می دارد: «وکلا حق خواهند داشت که انجمن های حرفه ای خودگردانی تشکیل داده یا به آنها ملحق شوند که نماینده منافع آنها بوده و آموزش و تحصیلات آنها را ارتقا بخشیده و از اعتبار شغلی آنها حمایت کند. رکن اصلی اینگونه انجمن های حرفه ای توسط اعضای آنها برگزیده شده و وظایف خود را بدون مداخله بیرونی انجام خواهند داد»<sup>۲۷</sup>

در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در زمینه «استقلال قضات و وکلا» (۸ فوریه ۲۰۰۱) که در نشست مربوط به بلاروس ارائه شده نیز به حکومت ها توصیه شده امکان تاسیس انجمن های حرفه ای خودگردان را برای وکلا فراهم نمایند.<sup>۲۸</sup>

<sup>24</sup>. CAT/C/ISR/CO/4. 23 June 2009. Concluding observations of the Committee against Torture about ISRAEL. P.8 – para:27&28

<sup>25</sup>. CAT/C/CR/30/1. 14 May 2003. Conclusions and recommendations of the Committee against Torture about AZERBAIJAN

<sup>26</sup>. Basic Principles on the Role of Lawyers, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990.

<sup>27</sup>. Ibid. Para:24

<sup>28</sup>. E/CN.4/2001/65/Add.1- 8 February 2001. P:31.



### ج) مدیریت مستقل و برآمده از میان وکلای فعال

در بخشی از گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه «استقلال قضات و وکلا» (۸ فوریه ۲۰۰۱) به نحوه اداره کانون های وکلا پرداخته شده و در آن توصیه شده نیروی کنترل کننده وکلا باید هیاتی مرکب از اعضای فعال این حرفه حقوقی باشد. همچنین به حکومت ها توصیه شده از کنترل بیش از حد این حرفه خودداری کنند.<sup>۲۹</sup>

بند ۲۴ «قطعنامه اصول اساسی در زمینه نقش وکلا» نیز تصریح می کند که رکن اجرایی انجمن های حرفه ای وکلا توسط اعضای آنها انتخاب خواهند شد.

### د) مصونیت از مداخلات ناجای حکومت و سایر مراجع قدرت

در نظریه عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق بشر (رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی) اعلام شده که وکیل باید قادر باشد مشاوره و نمایندگی از موکل خود را در چارچوب استاندارد های حرفه ای و بدون هرگونه محدودیت و اعمال نفوذ و فشار یا مداخله ناجای از جانب حکومت یا هر مرجعی به انجام برساند.<sup>۳۰</sup>

در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه «استقلال قضات و وکلا»<sup>۳۱</sup> (۸ فوریه ۲۰۰۱) نیز به حکومت ها توصیه شده وکلا باید مجاز به فعالیت در حرفه خود بدون مداخلات ناجای از جانب حکومت یا هر مرجع دیگری باشند.<sup>۳۲</sup> همچنین در گزارش دیگری که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر (۱ فوریه ۲۰۰۱) چند روز پیش از گزارش قبلی به کمیسیون ارائه نموده و بخشی از آن به جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است نیز ضمن اشاره به روند دادرسی دو تن از وکلای دادگستری در ایران یعنی خانم شیرین عبادی و دکتر محسن رهامی که از سوی شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران به اتهام افترا و نشر اکاذیب علاوه بر مجازات حبس تعلیقی به ۵ سال محرومیت از کار وکالت نیز محکوم شده اند، اعلام شده که بر اساس ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا تنها دادگاه انتظامی کانون وکلا می تواند یک وکیل را از وکالت معلق سازد. از اینرو و در اعتراض به این مداخله ناجای حکومت در

<sup>29</sup>. Ibid. P:31.

<sup>30</sup>. General Comment No.13 adopted by human rights committee. para:9&11

<sup>31</sup>. E/CN.4/2001/65- 1 February 2001. pp:28.50.51

<sup>32</sup>. E/CN.4/2001/65/Add.1- 8 February 2001. P:31.

امور وکلا، گزارشگر ویژه کمیسیون به همراه نماینده ویژه در زمینه وضعیت حقوق بشر در ایران مشترکاً نامه ای را برای دولت ایران ارسال نموده اند.<sup>۳۳</sup>

#### ه) مصونیت مدنی و کیفری بخاطر فعالیت حرفه ای

وکیل باید در رابطه با اقداماتی که در چارچوب قانون و در راستای دفاع از حقوق موکل خویش به عمل می آورد دارای مصونیت باشد. بند ۲۰ قطعنامه «اصول اساسی در زمینه نقش وکلا» در این خصوص بیان می دارد: «وکلا برای مطالبی که با حسن نیت کتباً یا شفاهاً جهت دادخواهی بیان می دارند یا در خلال حضور حرفه ای خود در دادگاه یا در مقابل مراجع حقوقی یا اداری دیگر ابراز می نمایند، از مصونیت مدنی و کیفری برخوردار خواهند بود» بند ۱۶ این قطعنامه نیز بیان می دارد: «دولت ها اطمینان حاصل خواهند نمود که وکلا تحت تعقیب یا تهدید به تعقیب یا مجازات های اداری، اقتصادی و غیره برای اقدامی که در چارچوب وظایف، استانداردها و اصول اخلاقی حرفه ای شناخته شده انجام می دهند، قرار نمی گیرند.»<sup>۳۴</sup>

در بخشی از گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ که در راستای قطعنامه (۱۶/۹)<sup>۳۵</sup> شورای حقوق بشر سازمان ملل تهیه شده و به وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخته، نیز ضمن اشاره به وضعیت برخی از وکلای دادگستری در ایران همچون خانم نسرین ستوده و یا محمد سیف زاده از اینکه آنها بخاطر دفاع از برخی متهمان سیاسی و امنیتی تحت تعقیب قرار گرفته و به مجازات هایی نیز محکوم شده اند به شدت انتقاد شده است.<sup>۳۶</sup>

#### و) داشتن امنیت شغلی و حرفه ای

در برخی مواقع شخص وکیل ممکن است بخاطر فعالیت حرفه ای خود و دفاع از موکلی خاص تحت تعقیب و مجازات از سوی حکومت و یا آزار و اذیت و تهدید و ارعاب از سوی دولت، طرف دعوی و وابستگان به آنها و یا حتی برخی موسسات، گروه ها و اشخاص ذی نفوذ و صاحب قدرت قرار گیرند. این وضعیت بخصوص در زمان بروز تنش های

<sup>33</sup>. E/CN.4/2001/65- 1 February 2001. pp:28. Para:115

<sup>34</sup>. Basic Principles on the Role of Lawyers.para: 16.20

<sup>35</sup>. Resolution adopted by the Human Rights Council\*16/9 Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. 8 April 2011.

<sup>36</sup>. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. A/66/374. 23 September 2011. Para:46.47.48.

سیاسی در جامعه و یا به هنگام پدیدار شدن فضای ترور و خشونت در جامعه ممکن است بوجود آید. در این اوضاع و احوال لازمه برقراری دادرسی عادلانه داشتن امنیت حرفه ای برای وکلا است. بموجب مفاد اسناد و آراء و نظریات مراجع حقوق بشری، در چنین مواقعی حکومت ها متعهد به برقراری امنیت برای فعالیت حرفه ای وکلا چه در جریان دادرسی و چه بعد از آن هستند.

در سندی که کمیته منع شکنجه بعد از بررسی گزارش دوره ای چین در سال ۲۰۰۸ صادره نموده ابراز نگرانی شده از اطلاعاتی که نشان می دهد در کشور چین دادستان این اختیار را دارد تا در راستای اعمال ماده ۳۰۶ قانون جزا و ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی آن کشور، وکلا را به اتهام سوگند و شهادت دروغ بازداشت کند. اختیاری که عملاً برای مرعوب کردن وکلای مدافع بکار برده شده است. همچنین کمیته نسبت به گزارش آزار و اذیت وکلایی همچون «تنگ بیا ئو»<sup>۳۷</sup> و «گائو ژی شینگ»<sup>۳۸</sup> ابراز نگرانی کرده چرا که این افراد تلاش می کرده اند خدمات حرفه ای خود را به دادخواهان و مدافعان حقوق بشر و سایر دگراندیشان و مخالفان ارائه کنند لیکن توسط اشخاص غیر مسوولی که ادعا شده از سوی مقامات دولتی بکار گرفته شده اند، مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. در این راستا کمیته منع شکنجه از دولت چین خواسته تا هر گونه مقررات قانونی که به استقلال وکلا لطمه می زند را لغو کند و حملات علیه وکلا را مورد تحقیق و رسیدگی قرار داده و عاملان آنرا تحت تعقیب قرار دهد. همچنین از دولت چین خواسته تا اقدامات فوری برای رسیدگی به اعمال هراس افکن و مرعوب سازانه و دیگر شیوه هایی که از کار مستقلانه وکلا جلوگیری می کند، را به عمل آورد. همچنین از دولت چین خواسته تا بکارگیری اشخاص غیر رسمی جهت آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر بویژه وکلا را لغو نماید.<sup>۳۹</sup>

همچنین در فرازی از گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در زمینه «استقلال قضات و وکلا» (۸ فوریه ۲۰۰۱) نیز به این موضوع پرداخته شده و در آن به حکومت ها توصیه شده وکلا باید مجاز به فعالیت در حرفه خود بدون هرگونه آزار و اذیت، ارباب، مزاحمت و مانع تراشی و یا مداخلات ناجبا از جانب حکومت یا هر مرجع دیگری باشند.<sup>۴۰</sup> در گزارش دیگر گزارشگر کمیسیون حقوق بشر که در همین موضوع (و در تاریخ ۱ فوریه ۲۰۰۱) به کمیسیون

<sup>37</sup>. Teng biao.

<sup>38</sup>. Gao zhisheng.

<sup>39</sup>. CAT/C/CHN/CO/4-12 December 2008. P.7

<sup>40</sup>. E/CN.4/2001/65/Add.1- 8 February 2001. P:31.

حقوق بشر ارائه شده نیز در قسمت مربوط به ایران از انفعال کانون وکلای دادگستری ایران در مواجهه با اعمالی که باعث ارباب وکلا می شود ابراز تاسف شده است.<sup>41</sup>

در همین رابطه در بخشی از گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ که به وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخته است، نیز از آزار و اذیت و تهدید و اربابی که علیه برخی از وکلای دادگستری صورت گرفته به شدت انتقاد شده است.<sup>42</sup>

در سندی که کمیسیون امریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۸۰ در زمینه وضعیت دادرسی عادلانه در کشور آرژانتین صادر نموده است نیز ضمن ابراز نگرانی از فشارها و تهدیدات علیه وکلای دادگستری و کانون های وکلا در این کشور که در مواردی منجر به بازداشت بدون محاکمه بسیاری از وکلا و حتی مرگ برخی از ایشان شده، این اقدامات را نقض حق دفاع و حق دادرسی عادلانه افراد دانسته است.<sup>43</sup>

کمیته حقوق بشر (رکن ناظر بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی) نیز در نظریه عمومی شماره ۱۳ خود تاکید نموده که وکیل باید بتواند دفاع خود را با جدیت و بدون واهمه انجام دهد. همچنین باید بتواند مشاوره و نمایندگی از موکل خود را در چارچوب استاندارد های حرفه ای و بدون هرگونه محدودیت و اعمال نفوذ و فشار یا مداخله نابجا از جانب هر مرجعی به انجام برساند.<sup>44</sup>

در این رابطه بند ۱۶ قطعنامه «اصول اساسی در زمینه نقش وکلا» بیان می دارد: «دولت ها تضمین خواهند نمود که وکلا قادر به ایفای کلیه وظایف حرفه ای خود بدون تهدید، ارباب، ممانعت و دخالت ناروا هستند و تحت تعقیب یا تهدید به تعقیب و مجازات های اداری، اقتصادی و غیره برای اقدامی که در چارچوب وظایف، استانداردها و اصول اخلاقی حرفه ای شناخته شده انجام می دهند، قرار نمی گیرند.» این قطعنامه همچنین در بند ۱۸ خود مقرر می دارد: «وکلا نباید بخاطر انجام وظایف حرفه ای خویش با موکلین و اهداف موکلین یکی دانسته شده و در یک ردیف قرار گیرند.» بند ۱۷

<sup>41</sup>. E/CN.4/2001/65- 1 February 2001. pp:28. Para:117

<sup>42</sup>. Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. A/66/374. 23 September 2011. Para:46.47.48.

<sup>43</sup>. THE RIGHT TO A FAIR TRIAL AND DUE PROCESS1. Argentina 1980 - Chapter VI.

<sup>44</sup>. General Comment No.13 adopted by human rights committee. para:9&11

این قطعنامه نیز مقرر می‌دارد: «در مواقعی که امنیت و کلا بخاطر انجام وظایف ایشان در معرض تهدید قرار دارد، باید از ایشان به قدر کافی توسط مقامات حکومت محافظت شود»<sup>۴۵</sup>

### نتیجه‌گیری

مراد از استقلال وکیل در درجه اول استقلال و خودمختاری در برابر حاکمیت و قدرت سیاسی حاکم بر جامعه است و در درجه دوم مصونیت از مداخله ناجای هر مرجع قدرتی در جامعه (از جمله خود نهاد صنفی وکلا و یا بخشی‌هایی از آن) است. وکیل مستقل، جامعه و شهروندان را به وجود و اجرای عدالت در دادرسی‌ها امیدوارتر و مطمئن‌تر می‌سازد. و به همین خاطر وکیل مستقل یکی از لوازم و مقدمات تحقق دادرسی عادلانه است. از اینرو وکیل مستقل حقی است که جامعه از یک سو و تک‌تک شهروندان از سوی دیگر از آن بهره‌مند اند. و حکومت‌ها نیز در مقابل این حق هر سه سطح تعهدات حقوق بشری یعنی تعهد به احترام و تعهد به حمایت و تعهد به ایفا را دارا هستند. مهمترین مبنای نظری که برای توجیه ضرورت وجود وکیل مستقل در دادرسی‌ها می‌توان ارائه کرد، ریشه در قاعده مشهور انصاف دارد. بر اساس این قاعده هر کسی حتی اگر طرفدار وکلای وابسته به حاکمیت و غیر خودمختار نیز باشد، زمانی که طرف یک دعوایی قرار گیرد که احتمال اعمال نفوذ و مداخله اربابان و مراجع قدرت در آن باشد و یا احتمال تاثیر پذیری مستقیم یا غیر مستقیم وکیل از صاحبان قدرت در آن برود، به سراغ وکلایی می‌رود که وابستگی حاکمیتی نداشته و به هنگام دفاع واهمه تعقیب و بیکاری و ... را به خود راه ندهد. نتیجه اعمال قاعده انصاف این است که اگر این حق را برای خود قائل هستیم باید آنرا برای دیگران نیز بپذیریم.

در اسناد شناخته شده حقوق بشر هرچند از حق مستقلی به نام حق برخورداری از وکیل مستقل سخنی به میان نیامده اما در درون آراء و نظریات مراجع حقوق بشری (مانند کمیته منع شکنجه یا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و ...) این حق در مواردی بطور صریح و در مواردی نیز بطور ضمنی و با شناسایی ابعادی از آن مورد تاکید و پذیرش قرار گرفته است. که در مجموع با مطالعه این اسناد و نظریات مشاهده می‌شود از منظر آنها استقلال وکیل زمانی تحقق می‌یابد که مجموعه‌ای از استانداردها رعایت شده باشد این استانداردها که در متن مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از «عدم وابستگی به حاکمیت» «امکان تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای خودگردان و حق پیوستن به آنها»

<sup>45</sup>. Basic Principles on the Role of Lawyers. Para: 16.17.18

«مدیریت مستقل و برآمده از میان وکلای فعال» «مصون بودن از مداخلات نابجای حکومت و سایر مراجع قدرت»  
 «مصونیت مدنی و کیفری بخاطر اعمالی که با حسن نیت در مقام دفاع انجام می شود» و نهایتاً «داشتن امنیت شغلی و حرفه ای»

### پی نوشت ها:

- امیر ارجمند، اردشیر، (زیر نظر) مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، جلد اول (۱۳۸۱) و جلد دوم (۱۳۸۵)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.  
 جان رالز، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳،  
 قاری سید فاطمی، سید محمد - حقوق بشر در جهان معاصر، (دفتر نخست) نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.  
 قاری سید فاطمی، سید محمد - حقوق بشر در جهان معاصر، (دفتر دوم) موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.  
 نصر اصفهانی، احمد - «استانداردهای جهانی وکالت و موضع نظام حقوقی ایران»، مدرسه حقوق، (بیست مقاله از مقالات نخستین کنگره ملی وکلا) شماره ۶۳، مهر ۱۳۹۰

Basic Principles on the Role of Lawyers. Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment. of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990.available on:  
<http://www2.ohchr.org/english/law/lawyers.htm>

CAT/C/ISR/CO/4. 23 June 2009. Concluding observations of the Committee against Torture about ISRAEL.

CAT/C/CR/30/1. 14 May 2003. Conclusions and recommendations of the Committee against Torture about AZERBAIJAN

CAT/C/CHN/CO/4-12 December 2008. Concluding observations of the Committee against Torture about CHINA.

David J Harris & Stephen Livingstone, (The Inter – American System of Human Rights) Oxford, 1998.

General Comment No.16. Adopted by the committee on economic, social and cultural rights

General Comment No.31. Adopted by the committee on economic, social and cultural rights

General Comment N.13 adopted by human rights committee.

IBA STANDARDS FOR THE INDEPENDENCE OF THE LEGAL PROFESSION (Adopted 1990).available on:  
[www.ibanet.org/About\\_the\\_IBA/IBA\\_resolutions.aspx](http://www.ibanet.org/About_the_IBA/IBA_resolutions.aspx).

P.van Dijk and G.J.H. van Hoof. Theory and Practice of the European Convention on Human Rights. Kluwer law International . the Hague . 1998.

---

Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. A/66/374. 23/September/2011. available on: <http://www.unhcr.org/refworld/publisher,UNGA,,,4e9fd49e2,0.html>

Report of the Special Rapporteur on the question of torture submitted in accordance with Commission resolution 2002/38- E/CN.4/2003/68. 17 December 2002.

Report of the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers Dato' Para m Cumaraswamy, submitted in accordance with Commission resolution 2000/42 - Report on the mission to Belarus\* E/CN.4/2001/65/Add.1- 8 February 2001..

Report of the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers Dato' Param Cumaraswamy, submitted in accordance with Commission resolution 2000/42. E/CN.4/2001/65- 1 February 2001.

Resolution adopted by the Human Rights Council\*16/9 Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. 8/April/2011 .Available on: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/refworld/rwmain?docid=4dc1018e2>

Sarah Joseph, Jenny Schults and Melissa Castan. International covenant on civil and political rights. oxford university press. first published 2000.

Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay, Communication No. R.12/52, U.N. Doc. Supp. No. 40 (A/36/40) at 176 (1981). Considered by The Human Rights Committee. Available on: <http://www1.umn.edu/humanrts/undocs/session36/12-52.htm>

THE RIGHT TO A FAIR TRIAL AND DUE PROCESS1. Argentina 1980 - Chapter VI. Available on: <http://www.cidh.oas.org/countryrep/Argentina80eng/chap.6.htm>